

مردم ارامنه در تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران

وحید رشیدوش^۱

چکیده

فلات ایران در طول قرن ها جایگاه قبایل و ملل بسیاری بوده است که در مجاورت یکدیگر زندگی می کردند. اولین اشاره تاریخی به ارامنه به عنوان یک قوم در کتیبه بیستون مربوط به قرن ششم پیش از میلاد مسیح می باشد که به صورت هنگ های سپاهی در خدمت حکومت هخامنشیان بودند. همچنین در دوران بعد از اسلام ارامنه به دلایل مختلفی به ایران رفت و آمد می کردند و گروه کثیری از آنان در گوشه و کنار این سرزمین به سر می بردند. گرچه فرهنگ و تمدن ارامنه به خاطر برخی از حوادث سیاسی و مذهبی در طول تاریخ دچار تغییر و تحول شده، ولی هرگز خصوصیات خلقی و عاطفی این قوم با همسایگان خود تغییر پیدا نکرده است. ارمنیان همیشه و در همه حال ارتباطی معنوی و مادی با ایران زمین داشته اند. در این مقاله سعی شده است که با استفاده از روش کتابخانه ای و میدانی تصویر اجمالی از اشتراکات فرهنگی، تاریخی و اقتصادی میان ایرانیان و ارامنه به عنوان یک الگوی همزیستی و هم افزایی فرهنگی دو ملت همسایه مورد بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی: ایران، ارمنستان، مشترکات فرهنگی، همزیستی مسالمت آمیز، تاریخ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار و عضو هیات علمی دپارتمان مردم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

تمدن به طور کلی، نظمی است که در اجتماع و جامعه به وجود می آید و در پی آن خلاقیت فرهنگی رواج و رونق پیدا می کند. (دورانت، ۱۷؛ ۱۳۹۶) فلات ها غالباً کانون اصلی گهواره کوچ نشینی و گله داری را تشکیل می دهند و دشت ها گهواره تمدن و بستر عالی ترین پیشرفت های انسانی. ایران نیز به ملاحظات جغرافیایی، در منطقه ای از زمین قرار گرفته که از دیر باز استقرار تمدن در آن امکان پذیر بوده است. شرایط جغرافیایی ایران زمین، زمینه ساز تمدن های تلفیقی است و این خصیصه به طور مشابه در تمامی ادوار حیات عمر ملت ایران مجال ظهور و بروز پیدا کرده است و طبیعت ایران نیز همیشه به انجام این مهم کمک کرده است. شاید بتوان گفت که دو عامل بزرگ در پیدایش تحول، عظمت و احیای فرهنگ و تمدن ایرانی وظیفه بزرگی را انجام داده اند: یکی عامل جغرافیایی و وضع طبیعی کشور ایران می باشد که از ابتدای پیدایش تمدن و فرهنگ ایرانی، این کشور در تحولات بشری وظیفه خود را چه از نظر سیاسی، فرهنگی و چه از نظر اقتصادی به خوبی ایفا کرده است و شاید هم یکی از عللی که مانع شده است با وجود حملات و تهاجمات اقوام مختلف که بزرگ ترین خطر برای هویت و موجودیت ایران به شمار می رفته، به کلی فرهنگ و تمدن ایرانی رو بزوال نرود و هویت خود را حفظ کند. عامل دوم نبوغ ذاتی ایرانی است که مانع شده است که فرهنگ و تمدن ایرانی به کلی پایمال شود، چون سایر اقوام و ملل قدیم چه سامی و چه نژاد زرد پس از آن که دوران درخشندگی خود را پیموندند، در اثر عوامل متعددی رو به انحطاط گذاشتند. در حالی که اقوام ایرانی به علت نبوغ ذاتی و هوش سرشار خود همیشه پس از مدت کوتاهی که تحت سلطه اقوام بیگانه قرار می گرفتند، تسلط معنوی خود را بر فاتحان تحمیل و آن ها را در خود جذب می کردند. به طوری که اقوام متجاوز از هر گروه و نژاد رنگ ایرانی به خود می گرفتند و فرهنگ و تمدن ایرانی مجدداً حیات خود را بدست می آورد. (مجیرشیبانی، ۱۳۴۳؛ ۱۳۷) ایران در زبان اوستایی به صورت ائیریه^۱ در زبان فارسی باستان آریه^۲ و در سانسکریت آریه آمده است. در اوستا هم نام قوم ایرانی است و هم به معنی شریف و نجیب و نژاده و اصیل است. (فره وشی، ۱۱؛ ۱۳۷۹) روابط ایران و ارمنستان از نظر تاریخی یکی از قدیمی ترین و طولانی ترین روابط میان ملت ها است. سابقه روابط این دو کشور همسایه به حدود سه هزار سال پیش برمی گردد و تاریخ ارمنستان را نمی توان بدون آشنایی با تاریخ ایران به طور دقیق مورد مطالعه قرار داد. در تاریخ این دو سرزمین، مبارزه

1. AIRYA

2. ARIYA

در راه هویت و اصالت خود نقش برجسته ای ایفا کرده است. (آزادیان، ۱۳۹۴؛ -) ایران شناسان معاصر خاطرنشان می کنند که آرامنه در اندیشه ملی ایرانی جایگاه قابل اعتنایی دارند و دو کشور با هم پیوندهای تنگاتنگی داشته اند. با این وجود، تاریخچه تعامل ارمنستان و ایران (پارس) مراحل دشمنی را هم تجربه کرده است. این امر در قرون اول میلادی در تفاوت انتخاب دین به وضوح بروز کرد. ولی این دشمنی هرگز پایدار نبوده است. بر عکس ایرانیان همیشه به حسن همجواری با آرامنه علاقه مند بوده اند. ریشه های عمیق روابط تاریخی، فرهنگی و رفتاری چنان در عمق جان دو ملت ریشه دوانیده که فقط می توان آن را به یک روح در دو تن تشبیه کرد. با توجه به فراز و نشیب های تاریخی بین دو کشور و دست به دست شدن ارمنستان بین امپراتوری های عظیم آن دوران، یعنی روم و یونان و امپراتوری ایران، هیچگاه ملت ارمنستان هویت واقعی خود را از دست نداده و همواره عناصر محکمی مانند دین، فرهنگ، هنر و زبان باعث حفظ هویت و شخصیت آن شده است. بر اساس اسناد تاریخی بیشترین ارتباط ملت ارمنستان و سرزمین ارمنیان با ایرانیان است تا جایی که این سرزمین محل تلاقی ادیان و فرهنگ های بزرگ گذشته و حال دنیاست. یعنی فرهنگ و تمدن شرق و غرب. حضور فرهنگ ایرانی، نفوذ زبان و ادبیات فارسی و حضور ۱۴۰۰ کلمه فارسی در زبان و ادبیات ارمنی قابل چشم پوشی نیست و حکایت از فرهنگ و تمدنی مشترک با پیشینه بلند تاریخی دارد. (شیراوند، ۱۳۹۰: -)

منطقه قفقاز

منطقه قفقاز که از دوران باستان تا دوره ای متاخر بخشی از خاک ایران به حساب می آمد در قرن نوزده در جنگ های ایران و روسیه از کشور ما جدا شد، اما هنوز باید آن را در دنیای فرهنگی ایران قرار داد. خطه بزرگ قفقاز خود از سرزمین های گوناگون تشکیل یافته. این سرزمین ها که در حال حاضر از نظر جغرافیای سیاسی قسمت هایی از خاک جمهوری فدراتیو روسیه در منطقه داغستان و چچنستان و همچنین کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است، از منطقه اران (قره باغ) و نخجوان و ایروان در سواحل شمالی رود ارس آغاز شده و تا سواحل شرقی دریای سیاه گسترش می یابد. قفقاز از نظر سیاسی به دو بخش قفقاز جنوبی (ماورای قفقاز) و قفقاز شمالی تقسیم می شود. قفقاز جنوبی شامل کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و بخش های کوچکی از شمال باختری ایران و شمال خاوری ترکیه می شود اما قفقاز شمالی جزئی از روسیه است و شامل جمهوری های خودگردان چچن، داغستان، اینگو شتیا، کاراچای، چرکسیا، کاباردینو، بالکاریا، سرزمین کراسنودار، آدیغیه، اوستیای شمالی، آلتایا، و سرزمین استاوروپول می شود. (اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، ۱۳۷۲؛ ۶) قفقاز چهارراه مهم جغرافیایی است که سرزمین های شمالی

یعنی روسیه را به جنوب، آسیا و اروپا را به آسیای مرکزی در شرق متصل می‌سازد و در اصل، حلقه واصل میان قاره اروپا و آسیاست. تاریخ سکونت در منطقه قفقاز به دوران ما قبل تاریخ می‌رسد. کاوش‌های انجام شده در این منطقه بیانگر این واقعیت است که از دیر باز در این منطقه تمدن شکوفایی وجود داشته است. دامنه‌های شمال منطقه قفقاز مسکن مردمانی جنگجو به نام‌های سکاها بودند. این اقوام ابتدا زندگی کوچ‌نشینی داشتند و به کار گله‌داری مشغول بودند. تحقیقات نشان داده است که تا قبل از سده پنجم پیش از میلاد، گروهی از سکاها در جنوب روسیه به عنوان کشاورزان ثابت سکونت اختیار کرده بودند. (بهزادی، ۱۳۷۳؛ ۱۰۹) ساکنان منطقه قفقاز از دیرباز با ایران و ایرانیان رابطه داشتند و پیشینه تاریخی آن‌ها با یکدیگر پیوند خورده است. در ایران قبل از اسلام این منطقه زیر نفوذ دولت ایران بود. در دوره اسلامی این منطقه جز حکومت خلفا در آمدند در طی حکومت سلجوقیان همچنان قسمتی از قلمرو ایران را تشکیل می‌دادند و در زمان مغول این منطقه مانند نواحی ایران در آتش وحشیگری مغولان رو به ویرانی نهاد. این منطقه سوق الجیشی همیشه مورد طمع کشورهای بزرگ قرار داشت چنان که با قدرت یافتن امپراطوری عثمانی این دولت فکر دستیابی بر این منطقه را همیشه در سر می‌پروراند و جنگ‌های بی‌ست ساله مابین ایران و عثمانی بیانگر این مسئله است. (سیوری، ۱۳۷۸؛ ۱۲۵) در زمان نادرشاه افشار دولت روسیه نیز سیاست‌های خودشان را در قفقاز سرعت بخشیدند. که نتیجه این اقدامات در زمان قاجار منجر به به وجود آمدن دوره اول و دوم جنگ ایران و روس گردید. جنگ‌های ایران و روس و عهدنامه‌های گلستان در تاریخ ۲۹ شوال سال ۱۲۲۸ هجری قمری مطابق با ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ میلادی و عهدنامه ترکمنچای در تاریخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری مطابق با ۱۰ فوریه سال ۱۸۲۸ (شمیم، ۱۳۷۹؛ ۹۱-۱۰۱) میلادی صفحات مذلت‌باری از تاریخ ایران در دوره قاجاریه به شمار می‌آید. از دست رفتن سرزمینی زرخیز و پرجمعیت مانند قفقاز به جنوبی از لحاظ اراضی و اقتصادی برای سرزمین ایران جبران‌ناپذیر بود.

موقعیت جغرافیایی کشور ارمنستان

کشور ارمنستان با ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع مساحت، در جنوب غربی منطقه قفقاز و با کمی فاصله از سواحل جنوب شرقی دریای سیاه واقع شده و همچون کمربندی بین مرزهای ایران از یک سو و جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان از سوی دیگر گسترده شده است. ارتفاع میانگین کشور ارمنستان از سطح دریا ۱۸۰۰ متر است و تنها ۱۰ درصد شهرهای ارمنستان کمتر از ۱۰۰۰ متر ارتفاع دارند. بلندترین قله ارمنستان آراگاتس^۱ است

۱. Aragatz

که در شمال غرب این جمهوری واقع است و ۴۰۹۰ متر ارتفاع دارد. نام بومی این کشور در زبان ارمنی هایک می باشد که در سده های میانی با افزودن پسوند فارسی ستان (به معنای سرزمین) به هایاستان تغییر یافت. این نام به طور سنتی از نام هایک، بنیانگذار افسانه ای ملت ارمنی و نتیجه نوح پیامبر، گرفته شده است که بر اساس نوشته موسی خورنی، تاری خونیس ارمنی، پادشاه بابل را شکست داد و ملت ارمنی را در منطقه آارات بنیان گذاشت. ارمنستان از لحاظ تاریخی به سه ناحیه تقسیم شده بود: ارمنستان بزرگ، ارمنستان کوچک و ارمنستان جدید. تاریخ ارمنستان بزرگ و کوچک به ارمنه قدیم مربوط می شود و این دو سرزمین مجزا از همدیگر بودند. ارمنستان بزرگ وسیع تر از دو منطقه دیگر محسوب می شد و شامل پانزده ایالت بود. ارمنستان کوچک یا هایک کوچک در ناحیه غربی ارمنستان بزرگ، در محدوده شمال کاپادوکیه قرار داشت که در شمال شرق آناتولی در محدوده (استان سیواس و استان گوموش خانه) امروزی می باشد. (پادماگریان، ۱۳۸۰؛ ۱۹) ارمنستان جدید به سومین ناحیه تاریخی متعلق است که به سده یازدهم مربوط می شود و در جنوب غربی ارمنستان کوچک واقع شده بود که به پادشاهی ارمنی کیلیکیه معروف است. هوای ارمنستان ملایم است. در تابستان ها از مناطق جنوبی (فلات ایران) توده هوای گرمی که از منطقه گرمسیری وزیدن می گیرد به فلات ارمنستان می رسد. در زمستان ها هوای ارمنستان به شدت سرد می شود و فشار جو فزونی می گیرد. آسمان ارمنستان اغلب آفتابی است و میزان بارندگی در ارتفاعات به ویژه در ۲۰۰۰ و ۲۱۰۰ متری فزونی می گیرد.

مردم ارمنه از نظر نژاد، زبان و مذهب

ارمنیان از نظر انسان شناسی به تیره آرمنوئید از نژاد اوراسیایی^۱ وابسته اند. آنها جز اقوام هند و اروپایی به شمار می روند. زیستگاه اصلی این اقوام در فلات ارمنستان یعنی در ناحیه ای واقع در شمال بین النهرین، شرق آسیای صغیر و شمال غرب فلات ایران قرار دارد. در مورد منشا ارمنیان، دیدگاه های مختلفی وجود دارد. دیدگاه نخست چنین است که این اقوام در اثر ادغام تدریجی اقوام مهاجر هندو اروپایی (قوم آرمین) با اقوام بومی تر ساکن در فلات ارمنستان مانند خوریان، هوریان و هاپاسا به وجود آمده است. بر پایه دیدگاه دیگر ارمنستان از آغاز در موطن اصلی خود در فلات ارمنستان می زیسته اند. لیکن از ادغام اقوام گوناگون پدید آمدند. در دوران نوسنگی^۲ بر پایه بررسی های انسان شناسی از این دوره فلات ارمنستان توسط اقوام متعلق به نژاد

۱. اوروئوئید

۲. نئولیت

آرمنوئید مسکون گردید که وارث آنان ارمنیان امروزه هستند. از دوران نئولیت تا انئولیت بخشی از اقوام هند و اروپایی از فلات ارمنستان و آسیای صغیر به سوی اروپا، آسیای میانه و هند کوچ کردند و بخش دیگر از جمله (هیتان، ارمنیان، یونانیان و ایرانیان) در زیستگاه اصلی باقی ماندند. در مورد پیدایش و نام ارمنیان مطالبی در روایات وجود دارد که از واقعیت های تاریخی دور نیست. بر پایه افسانه های نقل شده توسط موسی خورنی در سده پنجم، ملت ارمنی به خاطر نام های یک سر دودمان ارمنیان خود را های می نامند. اما نامی که دیگر اقوام بر ایشان به کار می بردند یعنی آرمن، ارمن، از نام آرام یکی از اخلاف های یک اخذ گردیده است. در اواخر هزاره دوم و آغاز هزاره نخست پیش از میلاد اقوام ساکن در فلات ارمنستان که در سنگ نبشته های میخی با نام های گوناگون از آنان یاد می شود، به صورت اتحادیه های حکومتی- سیاسی در می آیند. بعدها ارمنستان به صورت یک ملت به ویژه در زمان حکومت آرمینا سده های نهم تا ششم پ.م که در زبان های آرامی اوراتو نامیده می شود تشکیل و اتحاد استوارتری یافتند. (باغاداساریان، ۱۳۸۰: ۸)

زبان ارمنی (به ارمنی هاپرن^۱) یکی از زبان های هند و اروپایی است که در منطقه قفقاز و به ویژه در کشور ارمنستان و آرتساخ و سایر کشورهای دیگر که ارمنیان به عنوان جماعت ارمنیان پراکنده شناخته می شوند صحبت می کنند. ارمنیان تا پایان سده چهارم میلادی از خط سریانی یا یونانی استفاده می کردند و از این رو ادبیات و تاریخ آنان به خط و زبانی غیر ارمنی نوشته می شود. پس از رسمیت یافتن دین مسیح در ارمنستان و مسیحی شدن ارمنیان، چون کتاب مقدس این دین به زبان یونانی یا سریانی بود در مراسم مذهبی کلیساها نیز به این زبان ها سخن گفته می شد. در برخی از کلیساها کتاب مقدس را در هنگام مراسم به زبان ارمنی ترجمه و تفسیر می کردند و برای حضار بازگو می نمودند. حروف خط ارمنی نخستین بار به کوشش و مجاهدت یک روحانی ارمنی به نام مسروب ماشتوتس^۲، که با زبان های یونانی و زبان پارتی و ساسانی آشنایی کامل داشت، اختراع شد. در زمان سلطنت تیرداد سوم ملقب به کبیر حادثه ای روی داد که برای همیشه روی زندگی ملت ارمنی تأثیر گذاشت؛ و آن گرویدن این ملت به کیش مسیحی بود. دین مسیحیت برای ارمنستان نه تنها عامل تحول و بلکه عامل حفظ و نگهداری آن شده است. و این از آن جهت است که ملت ارمنی تحت تأثیر مسیحیت چنان زود به درجه والایی از فرهنگ رسیده که امروز مظهر عاملی چنین مهم در تاریخ بشریت است. نخستین پایه های کلیسای ارمنی به وسیله دو تن از حواریون عیسی مسیح به اسامی تادئوس و بارتوقیمئوس گذاشته شد و کار آن دو به وسیله عده ای از مبلغین مسیحی ادامه یافت. در واقع مسیحی شدن ارمنستان مقدر بود که در پایان سده سوم میلادی، توسط گریگور روشنگر تحقق پیدا کند. تاریخ کلیسای ارمنی بخش از تاریخ مهم قوم ارمنی را تشکیل می دهد. کلیسای ارمنی به عنوان یک کلیسای ملی نقش بسیار مهمی در

۱ . Հայերեն.

۲ . Mesrop Mashtotos

سرنوشت ارمنیان، چه در سرزمین اصلی ارمنستان و چه در مهاجرنشینان ارمنی در ایران و سراسر جهان ایفا نموده است. تاریخ کلیسای ارمنی به ۴ دوره کلی تقسیم می شود:

- دوره قدیم: (سده اول تا نهم میلادی)

- دوره میانه: (سده نهم تا ۱۴۴۱)

- دوره جدید: (از ۱۴۴۱ تا سده ۱۹)

- دوره اخیر: (از سده ۱۹ تا ۲۱). (باغداساریان، ۱۳۸۰: ۵)

ایران به جهت قرار گرفتن در گذرگاه مهاجرت های تاریخی، با ترکیب قومیت های مختلف در بافت جمعیتی، مواجه شده است. مهاجرت های تاریخی بین سه قاره آفریقا، اروپا و آسیا به سکونت اقوام مختلف و در هم آمیختگی نژادی و پیدایش اقوام در این سرزمین انجامیده است. (سعیدیان، ۱۳۸۳؛ ۳۸۷) نخستین گروه ارمنی در ایران در سده ششم پیش از میلاد به صورت هنگ های سپاهی در خدمت حکومت مرکزی هخامنشین بودند. داریوش اول در میان سپاه خود سرداران ارمنی نیز داشت که معروف ترین آن ها دادارشیش بود.^۱ (رضایی، ۱۳۸۴؛ ۲۵۲) غیر از اینان گروهی بازرگانان و پیشه ور نیز به اقتضای شغلی در ایران به سر می بردند. ارمنیان به عنوان ساکنان بومی در ایران در آتورپاتگان (تبریز، مرنند، ارومیه، مراغه، سلماس، ماکو، قره داغ) زندگی می کردند. در زمان سلطنت داریوش با تقسیم کشور به چندین استان یا والی نشین ارمنستان نیز جز یکی از ایالات نواحی غربی به حساب می آمد و به عنوان یکی از استان ها مشخص شده و فردی پارسی بر آن حکومت می نمود. با آغاز حکومت اشکانیان ارتباطات سیاسی و اجتماعی بین ایرانیان و ارمنه در زمان حکومت اشکانیان مستحکم تر گردید و تعدادی از بازرگانان و اشراف ارمنی که ارتباطات خویشاوندی با مردم داخل ایران داشتند در شهرهای مختلف سکونت گزیدند. با سقوط حکومت اشکانیان در ارمنستان و تقسیم آن سرزمین بین دو کشور ایران و روم قسمت عمده ارمنستان تحت حکومت ساسانیان قرار گرفت. نخستین مهاجرت ارمنیان به ایران در زمان اردشیر ساسانی (سده سوم میلادی) سپس در زمان شاپور دوم (سده چهارم میلادی) صورت گرفت. (کریستن سن، ۱۳۷۰؛ ۱۴۵) و اکثر مهاجران در خوزستان و بخش های جنوبی غربی کشور اسکان یافتند. با آغاز حملات سلجوقیان به ارمنستان به قول مورخان در سالهای ۱۰۴۸ و ۱۰۴۹ میلادی حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر از ارمنه به اسارت به ایران آورده شدند. تعداد بسیاری از آنان در راه کشته شده و تعدادی نیز به بازارهای برده فروشان مصر فرستاده شدند و بازماندگان در مناطق مختلف آذربایجان و مناطق مرکزی ایران سکنی گزیدند. در زمان هجوم مغولان به ایران ارمنه نیز به همراه ایرانیان قتل عام شدند و تعداد آنان رو به کاهش گذاشت ولی در اندک مدتی به علت آوردن اسرای جدیدی از ارمنستان توسط مغولان جوامع ارمنی در ایران رو به فزونی نهاد و در اواخر دوران حکومت مغولان که آرامش نسبی در کشور برقرار شده بود ارمنه جوامعی در شهرهای تبریز، سلطانیه، مرنند، مراغه، رشت، ری و ... تشکیل دادند. (سپهروند، ۱۳۸۱؛ ۵۸) در دوران حکومت

ایلخانان در ایران بزرگ‌ترین تجمع ارمنه در پایتخت وقت ایران، شهر سلطانیه بوده که به فعالیت های صنعتی و تجاری اشتغال داشتند. با تسلط آق قویونلوها و قرقویونلوها بر مناطقی از ایران، جنگ هایی طولانی آغاز شد که باعث قتل و غارت مردم ایران شد و در این بین ارمنه بیشترین آسیب را دیدند. به طوری که در مدت زمان کوتاهی کلیه جوامع ارمنی ساکن در مناطق مرکزی و غربی ایران از هم پاشیدند. از اوایل سده شانزدهم میلادی، ارمنستان در تصرف ایران و عثمانی بود و این دو دولت در ارمنستان با یکدیگر می جنگیدند. سرانجام در سال ۱۵۵۵ میلادی، با منعقد شدن صلح آماسیه در دوران صفویه، ارمنستان خاوری به ایران و ارمنستان باختری به عثمانی واگذار شد. (مهدوی، ۱۳۶۹؛ ۳۳) در سال ۱۵۷۸ میلادی، عثمانی ها با سود جستن از ضعف دولت صفویه، باختر ایران زمین و قفقاز را تصرف کردند. شاه عباس صفوی در ۱۶۰۳ / ۱۰۴۳ ق باختر ایران زمین را آزاد ساخت و به قفقاز رفت. (مورگان، ۱۳۷۴؛ ۱۴۲) سال بعد عثمان ها به سوی ایران حرکت کردند و شاه عباس فرمان داد ارمنی هایی را که سر راه عثمانی قرار داشتند به داخل فلات ایران کوچ دهند و برای مستأصل کردن سپاهیان عثمانی، چاه های آب را مسدود سازند و علیق و علوفه برای آن ها باقی نگذارند. هر چه می توانند بردارند و بقیه را بسوزانند. سربازان قزلباش، ۳۵۰ هزار تن از ارمنیان را به ساحل رود ارس آوردند در انتقال ارمنیان به آن سوی ارس به سبب نبودن پل یا وسیله ای مناسب برای عبور از رودخانه، بسیاری از ارمنیان در رودخانه غرق شدند. (حافظ زاده، ۱۳۷۲؛ ۳۳۸) شاه عباس، پنج هزار تن را در اصفهان، و بقیه را در روستاهای چهارمحال، فریدن، گیلان و مازندران اسکان داد. در نبردهای شاه عباس با عثمانی ها، سرداران ارمنی با رشادتی که از خود نشان دادند، مورد توجه شاه عباس قرار گرفتند و سرداران ارمنی برای موفقیت هایی به دست آورده بودند مفتخر به دریافت فرمان و خلعت شدند. (هویان، ۱۳۸۳؛ ۱۸۷) ارمنیان ساکن در نواحی روستایی به کشاورزی، دامداری و باغداری و ارمنیان جلفا به داد و ستد اشتغال یافتند. در دوران حکومت نادرشاه، ارمنیان از شرایط مساعدی بهره مند نبودند و بدین ترتیب به دنبال اعمال ناشایست عمال نادرشاه برخی از ارمنیان به هندوستان، هند و چین و جاوه مهاجرت کردند. در این دوره ارمنیان فقط می توانستند به مشاغلی چون زرگری، نجاری و تجارت اشتغال یابند. در دوران قاجار تحول قابل ملاحظه ای در اوضاع ارمنیان ایران حادث شد و به تعاقب خدمات ارزنده آنان در دوران مشروطیت، ارمنیان سرانجام حقوق یک شهروند ایرانی که سال ها از آن محروم بودند را یافتند. در سال ۱۷۵۰ میلادی تعدادی از ارمنیان در دروازه شاه عبدالعظیم تهران ساکن بودند، از این رو می توان گفت که ارمنیان پیش از جلوس کریم خان زند به سلطنت در سال ۱۱۶۳ ه. ق و در زمان نادرشاه افشار به تهران آمده بودند. این گروه باید نخستین گروه از ارمنیانی باشند که به قصد رهایی از رفتار بد نادرشاه و کارگزارانش از جلفا به تهران مهاجرت کرده بودند. اندک اندک با مهاجرت ارمنیان از سایر شهرهای ایران مانند تبریز، جلفای اصفهان، سلماس و حتی از قفقاز بر تعداد خانواده های ارمنی ساکن تهران افزوده شد. در سال ۱۷۶۸ میلادی در زمان سلطنت کریم خان زند، ارمنیان تهران اولین کلیسای خود را به نام کلیسای تادئوس و بارتوقیمئوس مقدس در کوچه ارمنه بنا کردند. اکثر ارمنیان این محله صنعتگر بودند. در نخستین سال های سلطنت قاجار،

ارمنیان تهران در دو ناحیه از شهر مستقر شده بودند، یک گروه در دروازه شاه عبدالعظیم و گروه دیگر در محله دروازه قزوین. ظاهراً آقامحمدخان قاجار هشت خانوار از ارمنیانی را که در قره‌باغ اسیر کرده بود به تهران آورده و در محله دروازه قزوین سکونت داد. این چند خانواده با اجازه شاه، در سال (۱۷۹۵-۱۷۹۰ میلادی) کلیسایی به نام کلیسای سورپ گئورگ در آن محله برای خود ساختند. پس از پایان جنگ جهانی دوم دولت ارمنستان تسهیلاتی برای بازگشت ارمنیان دیگر کشورها به ارمنستان در نظر گرفت و تا سال ۱۹۴۶ بالغ بر ۳۰ هزار ارمنی به کشورشان مهاجرت کردند. سیر مهاجرت ارمنیان در سال ۱۹۴۷ به علت مسائل و مشکلات فراوان متوقف گردید. اما در دهه ۵۰ بطور ملایم ادامه یافت و در دهه ۶۰ میان دولت‌های ایران و شوروی توافق به عمل آمد که ایران با کلیه ارمنیان که مایل به بازگشت به ارمنستان بودند همکاری لازم را به عمل آورد. بطوریکه جمع ارمنیان بازگشتی در فاصله سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۷۲ به ۶۵ هزار نفر می‌رسد. مهاجرت پس از سال ۱۹۷۹ روند جدیدتری به خود گرفت. (باغداساریان، ۱۳۸۰: ۳۴)

فعالیت‌های شغلی (اقتصادی) ارمنیان در ایران

سرزمین ارمنستان به منزله چهارراهی است که آسیا را به اروپا وصل می‌کند. از دیرباز بازرگانان ارمنی کالاهای کشورهای آسیایی را به اروپا صادر می‌کردند و مصنوعات و فرآورده‌های کشورهای اروپایی را به کشورهای آسیایی می‌آوردند. بازرگانان ارمنی جلفای اصفهان، برای سامان دادن به فعالیت‌های بازرگانی خود شرکت‌های بازرگانی تشکیل دادند. این شرکت‌های بازرگانی مقرراتی داشتند که همه کارکنان آن‌ها موظف به اجرای آن بودند. پس از مرگ شاه عباس، ارمنیان به تدریج از آزادی‌هایی که داشتند محروم گشتند. در همین دوران بود که فعالیت‌های شغلی ارمنیان به چهار حوزه شغلی تجارت، نجاری، زرگری و جواهرسازی محدود گردید. پس از روی کار آمدن سلسله قاجار مجدداً ارمنیان آزادی‌هایی یافتند. در آغاز تعدادی از ارمنیان به سپاه آقامحمدخان قاجار پیوستند. بازرگانان ارمنی در عصر قاجار نقش عمده و گسترده‌ای در بازرگانی ایران داشتند. در عصر قاجار با نیرو گرفتن حکومت مرکزی و امن شدن راه‌های کشور و توجه حکومت به داد و ستد، کار تجارت مجدداً رونق و سامان گرفت. ارمنیان به‌طور کلی در برخی زمینه‌های خاص اشتغال داشتند. طبق نوشته‌های مربوط به اواخر سده نوزدهم، ماهرترین زرگران تهران همواره ارمنیان بودند. بهترین خیاط‌ها ارمنی بودند. از شغل‌های دیگر ارمنیان می‌توان به مکانیکی اتومبیل، برق‌کاری، نقاشی ساختمان، نجاری و... اشاره کرد.

فرهنگ مردم ارامنه ایران

در طول دو سده‌ای که به دنبال مسیحی شدن ارمنستان سپری شد، یعنی در سده‌های چهارم و پنجم، ارمنستان به پیشرفت بزرگی در زمینه حیات فرهنگی دست یافت. حیات فرهنگی ارمنستان پیش از پذیرش دین مسیح تابع فرهنگ اقوام دیگر بود. تحقق مهم‌ترین مظهر فرهنگی مسیحیت، ابداع الفبای ارمنی بود. این کار توسط اسقف اعظم ساهاک یکم انجام شد که معاون خود مسروپ ماشوتوس را مأمور کرد تا الفبای ویژه‌ای برای زبان ارمنی ابداع کند، بدین منظور که ترجمه کتب مقدس به زبان و کتابت ارمنی میسر گردد. این ابداع الفبای ارمنی یکی از مهم‌ترین و

موثرترین رویدادهای تاریخ ارمنستان بود که از نظر فرهنگی به ادبیات ارمنی حیات بخشید. (شیراوند، ۱۳۹۰؛-) با ابداع الفبای ارمنی و سپس برگردان انجیل به این زبان توسعه ادبیات ارمنی آغاز گشت. از نخستین آثار برجسته ادب ارمنی می‌توان به ترجمه برخی از کتب ارسطو، و نوشتن کتاب تاریخ ارمنستان که این کتاب را موسی خورنی نوشته و به زبان های فرانسوی و آلمانی و انگلیسی نیز ترجمه شده است اشاره کرد. از روزگار کهن کلیساها و دیرهای ارمنیان محل آموزش نوباوگان ارمنی بود. در ایران زمین نیز ارمنیان کلاس‌های درس را در کلیساها و دیرها دایر کردند، از نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، در تهران، جلفای اصفهان، تبریز و روستاهای ارمنی نشین مدارسی تأسیس شد. نخستین مدرسه مدرن در سال ۱۲۷۱ ه. ق. ۱۸۵۴ م در تبریز ایجاد شد. در تبریز ارمنیان در محله لیل آباد و قلعه ساکن بودند. در سال ۱۲۹۴ ه. ق. ۱۸۷۷ مدرسه پسرانه ایی به نام یگازیان که دارای ۱۵۰ دانش آموز و ۵ کلاس بود و مدرسه دخترانه به نام تاماریان توسط برادران تومانیان تأسیس شد. بعدها در ایران تعداد مدارس ارمنی به ۴۰ رسید. در دوره پهلوی کلیه مدارس ارمنی تعطیل شد پس از بازگشایی تدریس کلیه دروس به زبان فارسی انجام می شد. و تنها زبان و ادبیات تاریخ و دروس دینی به زبان ارمنی صورت می گرفت. از دیگر فعالیت های فرهنگی ارمنیان، آوردن صنعت چاپ و نشر به ایران به شکل مکانیزه و جدید بود. ایجاد اولین چاپخانه در ایران که در سرتاسر خاورمیانه تنها نامی از آن را شنیده بودند گامی موثر و اقدامی جسورانه در راه پیشبرد هنر و فرهنگ این سرزمین محسوب می شود. (باغداساریان، ۱۳۷۹؛ ۷۸)

جشن های مشترک ایرانیان و ارمنیان

بررسی اعیاد، جشن ها، مناسبت ها و رسومات ایرانیان و ارمنیان نشان می دهد که با این که این دو قوم از لحاظ جغرافیایی و دینی با یکدیگر متفاوت می باشند ولی با این حال ریشه های تاریخی آن ها سبب شباهت های بسیاری میان فرهنگ این دو ملت شده است. مطالعات کتابخانه ای و مردم شناختی، نشانگر وجود جشن های مشترک زیادی بین این دو ملت می باشد که به نمونه ای از این جشن ها اشاره می شود.

جشن سده ایرانیان و دیارند آراج ارمنیان: از جشن های مشترک ایرانیان و ارمنیان جشن آتش افروزی است که ایرانیان آن را جشن سده و ارمنیان دیارند آراج می نامند. این جشن از جشن های خاص اقوام آریایی است. ارمنیان این جشن را در ۱۳ فوریه هر سال با شکوه خاصی برگزار می کنند. آن ها در این روز شمع یا فانوسی را از بوته هایی که در کلیسا آتش زده شده روشن می کنند و به خانه می برند. هر خانواده در حیاط خانه خود بوته هایی قرار می دهد. با شعله ای که از کلیسا آورده اند بوته ها را آتش می زنند و سپس از روی آتش می پرند (شیراوند، ۱۳۹۰؛-).

جشن نوسرد ایرانیان و ناواسارد ارمنیان: یکی از مهم ترین جشن های مشترک اقوام آریایی جشن ناواسارد یا نوسرد است. در ارمنستان باستان اولین ماه سال را ناواسارد می نامیدند. در گاه شماری ارمنیان قدیم روز یازدهم اوت روز برگزاری جشن ناواسارد بود. در این جشن پادشاهان، درباریان و تمامی طبقات شرکت می کردند و مراسم جشن از شکوه خاصی برخوردار بود. در جشن ناواسارد مسابقات ورزشی مانند اسب دوانی، ارابه رانی و... ترتیب داده می شد و شعرا، خوانندگان و

نوازندگان در این روز هنرنمایی می کردند. طبق بعضی منابع این جشن ایرانی است و با جشن نوسرد یکی است که معنی سال نو را دارد و از جشن های کهن ایران است (شیراوند، ۱۳۹۰؛ -). جشن برغندان ایرانیان و باریگندان ارمنیان: جشن برغندان یا باریگندان از جشن های مشترک ایرانیان و ارمنیان است که افزون بر تشابه نام آداب و سنن برگزاری آن ها نیز شبیه هم است. این جشن را ایرانیان و ارمنیان قبل از روزه بزرگ برگزار می کردند و به شادی و سرور می پرداختند و چون نزدیک شدن روزه را نوید می داد آن را با جشن و سرور سپری می کردند. امروزه نیز جشن باریگندان با شکوه خاصی برگزار می شود و روز پس از عید باریگندان ایام روزه بزرگ ارمنیان آغاز می شود و تا «زادیک» (عید قیام یا رستاخیز) ادامه می یابد. در این جشن جوانان برای خود لباس فراهم می کنند و نقابی بر چهره می گذارند تا شناخته نشوند (شیراوند، ۱۳۹۰؛ -).

جشن تیرگان (جشن گل) ایرانیان و وارتاوار ارمنیان: از کهن ترین جشن های مشترک ایرانیان و ارمنیان جشن تیرگان یا آب پاشی است که در ارمنی به آن وارتاوار می گویند. جشن تیرگان یا وارتاوار در فصل تابستان برگزار می شود. در این جشن ارمنیان بر روی یکدیگر آب می پاشند، کبوتر پرانی می کنند و مسابقات ورزشی ترتیب می دهند. تعدادی از پژوهشگران وارتاوار را به معنی با گل آراستن، با گل تزیین کردن، گل هدیه دادن، گلاب پاشیدن و شست و شو با آب دانسته اند. به نظر می رسد که جشن آبپاشی از جشن های قدیم و کهن ایرانیان است. به احتمال قوی در زمان های باستان جشن وارتاوار و تیرگان همزمان انجام می شده اند و بعداً روز برگزاری این جشن ها تغییر یافته است. در این بین می توان به جشن دیگری نزد ارمنیان اشاره کرد که به عید قربان مسلمانان خیلی نزدیک است و در این عید رسم بر آن است که گوسفند قربانی و بین تهیدستان تقسیم کنند (شیراوند، ۱۳۹۰؛ -).

روابط فرهنگی بین جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان پس از استقلال

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر در ساختار کشورهای حوزه قفقاز و استقلال این کشورها، فرصتی برای دو کشور همسایه (ایران و ارمنستان) پدید آمد تا به دلیل روابط تاریخی و اشتراکات فرهنگی، پیوندهای قدیمی خود را دوباره مستحکم کنند. به این منظور از عنصر زبان به منزله مهم ترین هویت و همچنین عامل توسعه و انتقال فرهنگ بهره برداری خوبی صورت گرفته است. ارمنیان هم به زبان آموزی علاقه خاصی دارند. زبان فارسی برای ایرانیان به منزله اصلی ترین عنصر هویتی است که می توان روح ملت را بر اساس توجه بیشتر به زبان می توان تقویت کرد. به همین دلیل در کشور ارمنستان رشد و گسترش زبان فارسی بسیار چشمگیر است. کوشش های فراوانی در جهت رشد و گسترش زبان فارسی صورت گرفته است و با سرمایه گذاری ایران در این مورد و اعزام اساتید و استادان برجسته و متخصص در این زمینه به خوبی جامه عمل پوشیده است. در حال حاضر ده ها مدرسه و بیشتر دانشگاه های ارمنستان به آموزش زبان فارسی مشغول و یا دارای بخش های ایران شناسی هستند. علاقه مندی جوانان به یادگیری زبان فارسی در ارمنستان به اندازه ای است که در کل کشورهای مشترک المنافع به جز تاجیکستان رتبه اول را در گسترش زبان فارس به خود اختصاص داده است. (آزادیان، ۱۳۹۴؛ -) مشترکات نژادی، جغرافیایی، تاریخی

و فرهنگی آن قدر وسیع است که تفاوت دینی به چشم نمی خورد تا جایی که می توان ادعا کرد نزدیک ترین کشور از لحاظ فرهنگی به ایران همانا ارمنستان است و در برقراری و گسترش روابط، علاوه بر دستگاه های فرهنگی دو کشور، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۸ تاکنون نقش برنامه ریزی و هدایت مسیر فرهنگی را بر عهده داشته است. (شیراوند، ۱۳۹۰؛ -)

نتیجه گیری

سرزمین ایران از اعصار پیش از تاریخ چون پلی عظیم میان مشرق و مغرب قرار داشت و از آن شاهراه های مهمی می گذشت و تمدن های دو سوی جهان را به هم مربوط می ساخت. ایرانیان فرهنگ ها و تمدن های ملل دیگر را دریافت کردند از آن بهرمنند شدند، آن گاه این فرهنگ ها را با آنچه که خود داشتند، ترکیب و پس از تکامل به دیگران منتقل می کردند. ایران در تمام ادوار تاریخی در تمام حوادث اجتماعی و سیاسی آسیا نقش مهمی داشته چون در اثر وضع جغرافیایی اش ارتباط کاملی با تمدن های مختلف داشته و به واسطه همین ارتباط یا از آن ها آموخته است و یا تمدنش در تمدن این اقوام نفوذ یافته است. ارمنیان هم زمان با پیدایش نخستین نشانه های تمدن در منطقه قفقاز سکنی گزیدند و در طول تاریخ این سرزمین، سرگذشتی مشترک با اقوام ایرانی داشتند. ارمنیان پس از استقرار در ایران، بسیاری از آداب و رسوم ایرانیان را پذیرفتند. برگزاری برخی از جشن ها و مراسم های ارمنی که ریشه در ایران باستان دارد، گویای همین مطلب می باشد و چون مردمی فعال و زحمت کش بودند، به فعالیت های مختلف کشاورزی، صنعتی، تجاری و سیاسی در سرزمین ایران پرداختند.

- آزادیان، آنی. (۱۳۹۴). نگاهی به روابط فرهنگی ایران و ارمنستان، ترجمه: آرمن قازاریان، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۷۳، سال ۱۹، - .
- باغداساریان، ادیک. (۱۳۸۰). تاریخ کلیسای ارمنی (همراه با نگاهی بر باورها و اندیشه های دینی ارمنیان در درازای تاریخ)، تهران، - .
- باغداساریان، ادیک. (۱۳۸۰). نگاهی به تاریخ ارمنیان تهران، تهران، - .
- بهزادی، رقیه. (۱۳۸۳). قوم های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران، تهران، انتشارات طهوری.
- پادماگریان، الکساندر. (۱۳۸۰). تاریخ ارمنه تاریخ اجتماعی و سیاسی ارمنه، ترجمه: گیو آقاسی، تهران، انتشارات فرهنگی پاد.
- حافظ زاده، محمد. (۱۳۷۲). ارس در گذرگاه تاریخ، تبریز، انتشارات نیا.
- دورانت، ویلیام جیمز. (۱۳۹۶). تمدن ایران و مشرق زمین، مترجمان: حسین کامیاب - محمد امین علیزاده - فاطمه معیت، تهران، انتشارات بهنود.
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۸۴). تاریخ ده هزار ساله ایران، جلد اول، تهران، انتشارات اقبال.
- سیوری، راجر. (۱۳۷۸). ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، تهران.
- سپهروند، مجید. (۱۳۸۰). مراغه در سیر تاریخ، تهران، انتشارات احرار.
- سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۸۳). سرزمین و مردم ایران، تهران، انتشارات علم و زندگی.
- شیراوند، مهران. (۱۳۹۰). تعاملات تاریخی و فرهنگی ایران و ارمنستان از عصر کهن تاکنون، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۵۸، سال ۱۵، - .
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۷۹). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، انتشارات مدبر.
- فره وش، بهرام. (۱۳۷۹). ایرانویج، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: رشید یاسمی، تهران، انتشارات دنیای کتاب.
- مجیر شیبانی، نظام الدین. (۱۳۴۳). تاریخ تمدن از آغاز آفرینش تا تمدن مادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مورگان، دیوید. (۱۳۷۴). ایران در سده های میانه، ترجمه: فرخ جوانمردیان، تهران، انتشارات - .
- هویان، آندرانیک. (۱۳۸۳). اشتراکات و روابط فرهنگی ایرانیان و ارمنیان، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۵، شماره ۱، ص ۱۵-۳۵.

- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۹). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۲). اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، تهران، انتشارات وزرات امور خارجه.

